

بررسی رابطه بین ویژگی‌های کمیته‌های حسابرسی و هزینه سرمایه سهام عادی

روشنک سعادت‌مند*، سید مصطفی علوی**

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۶/۰۵

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۰/۰۳

چکیده

تامین مالی و تعیین ساختار مناسب سرمایه از مهم‌ترین وظایف شرکت‌هاست تا بتوانند با حداقل کردن هزینه سرمایه، افزایش ارزش شرکت را به دنبال داشته باشند. عوامل متعددی بر ریسک شرکت که آن نیز بر هزینه سرمایه موثر است، تأثیرگذارند، یکی از مهم‌ترین آن‌ها ارکان راهبری بنگاه است. کمیته حسابرسی به عنوان یکی از مهم‌ترین ارکان راهبری نقش قابل توجهی در بهبود گزارشگری مالی و مدیریت ریسک دارد. این پژوهش به دنبال بررسی رابطه بین برخی ویژگی‌های کمیته‌های حسابرسی و هزینه سرمایه سهام عادی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس تهران و فرابورس ایران است. نتایج آزمون فرضیه‌های تحقیق با استفاده از اطلاعات ۹۷ شرکت طی سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۹۶ نشان می‌دهد بین اندازه کمیته حسابرسی و هزینه سرمایه سهام عادی رابطه منفی و معنی‌داری وجود دارد. به عبارت دیگر شرکت‌هایی که تعداد اعضای کمیته آن‌ها بیشتر هستند هزینه سرمایه سهام عادی کمتری دارند. این یافته‌ها هم‌چنین نشان می‌دهد بین میزان تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی و هزینه سرمایه سهام عادی رابطه معنی‌داری وجود ندارد. علاوه بر این اندازه شرکت نیز با هزینه سرمایه رابطه منفی و معنی‌داری دارد. به عبارت دیگر شرکت‌های بزرگ هزینه سرمایه سهام عادی کمتری است.

واژه‌های کلیدی: کمیته حسابرسی، هزینه سرمایه سهام عادی، راهبری بنگاه.

طبقه‌بندی موضوعی: M42, G14

DOI: 10.22051/jera.2018.21796.2158

* کارشناس ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دماوند، ایران، (rosaadat55@gmail.com)

** استادیار گروه حسابداری، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران، (نویسنده مسئول)،

(Smalavi@soc.ikiu.ac.ir)

مقدمه

کمیته حسابرسی دارای نقشی کلیدی در نظارت و مشورت به مدیریت شرکت بوده و دارای اهمیت فراوان است. بسیاری اهمیت کمیته حسابرسی را به عنوان ابزاری نظارتی در شرکت‌ها مورد تاکید قرار داده‌اند اما با این وجود پژوهش‌های تجربی نتایج همسانی در مورد منافع بدست آمده از کمیته حسابرسی نشان نمی‌دهد و همین مسئله موجب شده است تا شرکت‌ها نه تنها استفاده از کمیته حسابرسی را در نظر بگیرند، بلکه ویژگی‌هایی مثل تجربه و تخصص را نیز مورد توجه قرار دهند (زالاتا و همکاران، ۲۰۱۸).

دیدگاه‌های نظری و عملی بسیاری در پژوهش‌ها نشان می‌دهند که تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی سبب اثربخشی بیشتر آن می‌شود. به عنوان یکی از مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی، داشتن اعضای با دانش حسابداری و حسابرسی جهت نظارت بهتر و اثربخش‌تر ضروری است. متخصصان مالی به سبب داشتن دانش مالی برتر و درک مسائل مالی و مشکلات گزارشگری، مسئولیت بیشتری را در فرآیند گزارشگری مالی بر عهده دارند. بنابراین، وجود اعضای با تخصص مالی قابل توجه بهبود گزارشگری مالی و افشای بهتر اطلاعات را به دنبال دارد (نصیرزاده و همکاران، ۱۳۹۶).

یکی دیگر از ویژگی‌های کمیته حسابرسی اندازه آن است. یانگ و کریشن (۲۰۰۴) معتقدند اندازه کمیته حسابرسی می‌تواند تأثیر بسزایی بر اثربخشی آن داشته باشد زیرا هر چه تعداد اعضا بیشتر باشد، نظارت بهتری صورت می‌گیرد. از اینرو، تعداد اعضای کمیته حسابرسی یکی از ویژگی‌هایی است که می‌تواند بر متغیرهای مورد توجه حسابداری و مالی مورد بررسی قرار گیرد. در صورت وجود تعداد بیشتری از افراد در کمیته حسابرسی، افراد دارای دانش و تخصص و تجربه بیشتری خواهند بود و تأثیر بیشتری بر کیفیت گزارشگری خواهند داشت. پژوهش‌های انجام شده در این زمینه بیانگر این موضوع است که وجود اعضای با تخصص مالی حسابداری (نه غیر حسابداری) در کمیته حسابرسی با ویژگی‌های گزارشگری مالی مرتبط است (دالیوال و همکاران، ۲۰۱۰). مطالعات قبلی نشان دادند که مهارت‌ها و تجارب حرفه‌ای اعضای کمیته در زمینه گزارشگری مالی یک عامل کاملاً آشکار با اثربخشی کمیته حسابرسی است. این پژوهش نیز به دنبال بررسی برخی ویژگی‌های

کمیته حسابرسی مانند اندازه و تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی بر هزینه سرمایه سهام عادی به عنوان یکی از متغیرهای مهم در تصمیم‌گیری‌های مالی شرکت‌ها می‌باشد.

بیان مسئله و مبانی نظری پژوهش

کاهش هزینه سرمایه و تشکیل ساختار مناسب سرمایه یکی از مهم‌ترین اقدامات شرکت‌ها در راستای افزایش ارزش شرکت و سهامداران است. هزینه سرمایه حداقل نرخ بازدهی است که انتظار می‌رود بدست آید تا شرکت به فعالیت خود بتواند ادامه دهد. در این میان بازده مورد انتظار سهامداران و یا به عبارتی هزینه سرمایه سهام عادی از اهمیت بیشتری نیز برخوردار است. هیل و لئوز (۲۰۰۶) نشان می‌دهند شرکت‌هایی که در کشورهای دارای افشای گسترده هستند، قوانین بازار سرمایه آن‌ها قوی‌تر است و مکانیزهای راهبری و مقررات خوبی دارند، از هزینه سرمایه پایین و مطلوب بهره‌مند می‌شوند.

گاپتا و همکاران (۲۰۱۸) بیان می‌دارند مکانیزم راهبری قوی یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار بر هزینه سرمایه است. چن و همکاران (۲۰۰۹) نیز نشان می‌دهند کیفیت راهبری شرکتی در سطح شرکت‌ها تأثیر منفی بر هزینه سرمایه سهام عادی دارد.

به اعتقاد گارمیس و لیو (۲۰۰۵) شرکت‌های دارای نظام راهبری بهتر، دارای میانگین هزینه سرمایه سهام عادی کمتری به نسبت شرکت‌های دارای نظام راهبری ضعیف‌تر هستند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که نظام راهبری به طور مستقیم و غیر مستقیم از طریق ضریب ریسک سیستماتیک بر هزینه سرمایه سهام عادی تأثیر می‌گذارد، چرا که نظام راهبری بنگاه به طور معنی‌داری با β آن رابطه دارد. کمیته‌های حسابرسی به عنوان یکی از ارکان مهم راهبری شرکتی با انجام وظایفی که در ذات خود دارد، می‌تواند منجر به بهبود گزارشگری مالی، افزایش قابلیت اتکای اطلاعات، حمایت از حقوق سهامداران و افزایش شفافیت بشود. از طرفی افزایش و بهبود شفافیت ریسک شرکت را کاهش می‌دهد. در واقع اطلاعات نهانی در بازار، که نشان دهنده فقدان شفافیت است، موجب نگرانی سهامداران بالقوه است و از طرفی، دارنده این اطلاعات می‌تواند بازدهی بیش از بازده عادی سهام کسب نماید و اصولاً کسب بازده غیر عادی نیز موقعی ممکن خواهد بود که اطلاعات شفاف و درستی درباره عملکرد شرکت‌ها وجود نداشته باشد.

کریسان و فالوپ (۲۰۱۴) نیز هسته اصلی راهبری بنگاه را کمیته‌های حسابرسی می‌دانند. آن‌ها بیان می‌دارند کمیته‌های حسابرسی در کاهش اشتباه‌ها و مدیریت سود که منجر به صورت‌های مالی نادرست می‌شود، نقش موثری دارند. به اعتقاد آن‌ها کمیته حسابرسی نقش کلیدی در سیستم راهبری شرکتی در سال‌های اخیر دارد. امروزه کمیته‌های راهبری شرکت و اشخاص قانون‌گذار در سراسر جهان نیاز به کمیته‌های حسابرسی اثربخش و الزام شرکت‌ها به استقرار کمیته حسابرسی را احساس کرده‌اند.

الشاعر و همکاران (۲۰۱۷) معتقدند کمیته حسابرسی نقش کلیدی در راهبری بنگاه است. در اغلب کشورها طی دو دهه گذشته، کمیته حسابرسی به یکی از ساز و کارهای رایج و مهم راهبری شرکتی تبدیل شده است. در بدو امر بعضی از شرکت‌ها به صورت داوطلبانه اقدام به تشکیل کمیته حسابرسی می‌کردند، اما در سال‌های اخیر نهادهای قانون‌گذار و سازمان‌های مسئول در بسیاری از کشورها بر تشکیل کمیته حسابرسی و گسترش وظایف آن تاکید کردند (الشاعر و همکاران، ۲۰۱۷).

آبات و همکاران (۲۰۰۴) در پژوهش خود به بررسی رابطه بین تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی و تنظیم و ارائه مجدد صورت‌های مالی پرداختند و به این نتیجه رسیدند که وجود کارشناسان مالی در کمیته حسابرسی با میزان بروز تجدید ارائه صورت‌های مالی دارای رابطه منفی و معنی‌دار است. دیویدسان و همکاران (۲۰۰۴) بازده سهام را پیرامون زمان انتصاب اعضای کمیته حسابرسی مورد بررسی قرار دادند. نتایج آن‌ها نشان داد که اگر اعضای جدید کمیته حسابرسی دارای تخصص مالی باشند، شاهد تأثیرگذاری قابل ملاحظه‌ای روی قیمت سهام می‌توان بود. والاس و شی (۲۰۰۴) بیان می‌دارند دانش و تحصیلات مالی و حسابداری اعضای کمیته حسابرسی نقشی موثر در انتشار اطلاعات قابل اتکا دارد. فاربر (۲۰۰۵) با ارائه تعریفی گسترده از تخصص مالی اعضای کمیته نشان داد که وجود کارشناسان مالی در کمیته حسابرسی منجر به وقوع کمتر تقلب مالی در شرکت خواهد شد.

با توجه به موارد ذکر شده می‌توان اذعان داشت تشکیل کمیته‌های حسابرسی و عملکرد اثربخش آن با بهبود کیفیت گزارشگری مالی و افشای شفاف اطلاعات، هزینه سرمایه و به طور خاص هزینه سرمایه سهام عادی را کاهش دهد. علی‌رغم پژوهش‌های متعددی که در

رابطه با هزینه سرمایه و شرکت صورت گرفته است، لیکن تا کنون پژوهشی پیرامون عامل کمیته حسابرسی در محیط ایران صورت نگرفته است. از اینرو ضرورت دارد تأثیر اندازه کمیته حسابرسی و تخصص کمیته بر هزینه سرمایه سهام عادی بررسی شود. با توجه به موارد فوق این پژوهش به دنبال این است که آیا اندازه کمیته حسابرسی و میزان تخصص مالی اعضای کمیته‌های حسابرسی به عنوان ویژگی‌های این کمیته با هزینه سرمایه سهام عادی رابطه منفی دارد؟

مروری بر پیشینه

هرمن و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهشی به بررسی رابطه بین تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی و ویژگی‌های سود پیش‌بینی شده توسط تحلیل‌گران پرداختند. نتایج آنان حاکی از این مطلب بود که تخصص مالی حسابداری اعضای کمیته حسابرسی با دو ویژگی پیش‌بینی سود تحلیل‌گران یعنی؛ صحت بیشتر پیش‌بینی سود پراکندگی کمتر پیش‌بینی‌ها، دارای ارتباطی معنی‌دار است. اما برای تخصص مالی غیر حسابداری نتایجی مبنی بر وجود رابطه معنی‌دار با سود پیش‌بینی شده مشاهده نشد.

ستیانی و همکاران (۲۰۱۷) رابطه بین استقلال اعضا، افشای اختیاری و هزینه سرمایه سهام عادی را بررسی کردند. مطالعه آن‌ها بررسی می‌کند چگونه نظام راهبری شرکت بر هزینه سرمایه تأثیرگذار است. آن‌ها به منظور اندازه‌گیری افشا از امتیازهای افشای اطلاعات استفاده کردند. علاوه بر این هزینه سرمایه سهام عادی نیز به وسیله مدل قیمت‌گذاری دارایی‌های سرمایه‌ای ارزیابی می‌شود. آن‌ها با استفاده از آزمون رگرسیون و با بکارگیری اطلاعات ۱۰۴ شرکت تولیدی طی سال‌های ۲۰۰۹-۲۰۱۲ به تجزیه و تحلیل یافته‌های خود پرداختند. یافته‌های آن‌ها نشان می‌دهد رابطه معنی‌داری بین استقلال اعضا و هزینه سرمایه سهام عادی وجود ندارد. با این وجود یافته‌ها نشان می‌دهد رابطه معنی‌داری بین امتیاز افشای اختیاری و هزینه سرمایه سهام عادی وجود دارد.

پورتیا و همکاران (۲۰۱۸) به بررسی رابطه بین استقلال کمیته حسابرسی و محتوای اطلاعاتی اعلامیه‌های سود پرداخته است. آن‌ها به بررسی این مطلب پرداخته‌اند که آیا تعداد اعضای مستقل کمیته حسابرسی بر عملکرد بازار تأثیرگذار است یا خیر. نمونه‌های آن‌ها متشکل از ۱۷۶۰۰ اعلامیه صورت گرفته توسط شرکت‌های اروپایی می‌باشد که طی سال‌های

۲۰۱۴-۲۰۰۶ است. نتایج آن‌ها نشان می‌دهد عکس العمل بازار هنگامی که کمیته حسابرسی مستقل‌تر است به شکل معنی‌داری بیشتر است. علاوه بر این یافته‌های آن‌ها نشان می‌دهد استقلال اعضای کمیته حسابرسی به خصوص برای کشورهایی که دارای ساختار قانون‌گذاری و نهادهای ضعیف‌تری هستند، تأثیر بیشتری دارد.

منصور و همکاران (۲۰۱۸) تأثیر تخصص و جنسیت اعضای کمیته حسابرسی را بر مدیریت سود بررسی کردند. آن‌ها به دنبال اثربخشی تخصص اعضای کمیته حسابرسی بر کاهش مدیریت سود بودند. آن‌ها با استفاده از اطلاعات ۵۶۶۰ سال-شرکت امریکایی طی سال‌های ۲۰۱۳-۲۰۰۷ نشان دادند تخصص اعضای کمیته حسابرسی و نوع آن منجر به کاهش مدیریت سود می‌شود. علاوه بر این یافته‌های آن‌ها نشان می‌دهد تخصص مالی زنان نسبت به مردان در کاهش مدیریت سود اثربخشی بیشتری دارد.

سانگ و همکاران (۲۰۱۸) نیز رابطه تخصص اعضای کمیته حسابرسی را با کیفیت سود طبق روش فراتحلیل بررسی کردند. آن‌ها بیان می‌دارند بعد از قانون ساربنز-اکسلی، پژوهش‌های متعددی به دنبال بررسی این مطلب بودند که آیا تخصص اعضای کمیته حسابرسی بر کیفیت گزارشگری مالی تأثیرگذار است. آن‌ها با بررسی ۹۰ مطالعه صورت گرفته و با استفاده از ۱۶۵۵۲۹ مشاهده سال - شرکت که رابطه کمیته حسابرسی و کیفیت سود را بررسی کرده بودند نشان دادند که تخصص کمیته حسابرسی با کیفیت سود رابطه مثبتی دارد و البته تخصص حسابداری رابطه قوی‌تری را نشان می‌دهد. گاپتا و همکاران (۲۰۱۸) به بررسی توسعه مالی، راهبری بنگاه و هزینه سرمایه سهام عادی پرداختند. هدف آن‌ها بررسی نقش توسعه مالی بر روی رابطه راهبری بنگاه و هزینه سرمایه سهام عادی بوده است. یافته‌های آن‌ها با بکارگیری یک نمونه جامع از ۷۳۸۰ سال-شرکت که از ۲۲ کشور مستخرج شده است نشان می‌دهد ویژگی‌های راهبری بنگاه در کشورهایی که توسعه مالی بالایی داشته‌اند با هزینه سرمایه سهام عادی پایین همراه بوده است.

فخاری و همکاران (۱۳۹۳) به بررسی اثر ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر مدیریت سود از طریق اقلام واقعی پرداختند. به اعتقاد آن‌ها نوظهور بودن و الزام وجود کمیته حسابرسی به عنوان جزئی از ساختار حاکمیت شرکتی و نقش و ویژگی‌های آن به عنوان ابزاری برای کاهش هزینه‌های نمایندگی در شرکت‌های ایرانی موضوع بحث برانگیزی است، این تمایل

خصوصاً زمانی که بحث مدیریت سود از طریق اقلام واقعی مطرح است پررنگتر می‌شود چرا که احتمال کشف مدیریت سود از طریق اقلام واقعی کمتر می‌باشد. آن‌ها داده‌های مربوط به ۱۱۲ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را در سال ۱۳۹۲ به روش مقطعی مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش آن‌ها حاکی از آن است که رابطه معنی داری بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی و مدیریت سود از طریق اقلام واقعی وجود دارد.

امیری سلیمانی و فضیحی (۱۳۹۴) رابطه ویژگی‌های کمیته حسابرسی با مدیریت سود تعهدی و واقعی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را مورد بررسی قرار دادند. آن‌ها بیان می‌دارند کمیته حسابرسی شرکت‌ها یکی از حوزه‌های نظارتی مرتبط با حاکمیت شرکتی است که بر محیط تجاری شرکت‌ها تأثیر مهمی دارد. هدف اصلی آن‌ها بررسی رابطه استقلال و سطح تخصص و اندازه کمیته حسابرسی با مدیریت سود واقعی و تعهدی شرکت‌ها است. نمونه تحقیق شامل شرکت‌هایی است که قبل از سال ۱۳۹۰ عضو بورس بوده‌اند و در سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۳ دارای کمیته حسابرسی می‌باشند. نتایج حاکی از آن است که استقلال کمیته حسابرسی با مدیریت سود تعهدی رابطه معنی داری دارد ولی سایر ابعاد کمیته رابطه معنی داری با مدیریت سود تعهدی ندارند. همچنین با بررسی رابطه ابعاد کمیته حسابرسی با مدیریت سود واقعی مشخص شد که فقط سطح تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی رابطه معنی داری با مدیریت سود واقعی دارد.

کامیابی و احسانی (۱۳۹۵) به بررسی رابطه بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی، کیفیت افشا و نسبت غیر موظف اعضای هیات مدیره پرداختند. به اعتقاد آن‌ها کمیته حسابرسی به عنوان یکی از مکانیزم‌های کلیدی راهبری شرکتی می‌تواند منجر به بهبود کیفیت افشا شرکت‌ها و کارایی بازار سرمایه شود. در همین راستا، ۷۱ شرکت پذیرفته شده در بورس و اوراق بهادار تهران در دوره زمانی ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۲ انتخاب و مورد آزمون قرار گرفت. نتایج پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد بین دو ویژگی کمیته حسابرسی یعنی تجربه و مدت تصدی اعضای کمیته حسابرسی با کیفیت افشا شرکت‌ها رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد در حالی که بین تخصص و اندازه کمیته حسابرسی با کیفیت افشا رابطه مثبت معنی داری مشاهده نگردید. علاوه بر این، یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است نسبت غیرموظف اعضای هیات مدیره بر رابطه بین تجربه اعضای کمیته حسابرسی و کیفیت افشا تأثیر مثبت و معنی داری دارد اما بر رابطه بین سایر ویژگی‌های کمیته حسابرسی و کیفیت افشا شرکت‌ها اثر تعدیل کننده ندارد.

جامعی و رستمیان (۱۳۹۵) نیز تاثیر تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی بر ویژگی‌های سود پیش بینی شده بررسی کردند. به اعتقاد آن‌ها برای افزایش کیفیت گزارشگری مالی بهبود نظام راهبری شرکتی موضوعی انکارناپذیر است. یکی از ارکان اصلی راهبری شرکتی نیز کمیته حسابرسی است. درک و دانش اعضای با تجربه کمیته حسابرسی، ارزش گزار شگری مالی و حسابرسی شرکت را افزایش می دهند. آن‌ها داده‌های ۹۵ شرکت پذیرفته شده در بورس تهران که کمیته حسابرسی دارند، جمع آوری شد و فرضیه‌ها با استفاده از تحلیل ضرایب رگرسیون، آزمون شده اند. یافته‌های آن‌ها نشان می دهد، تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی با صحت پیش بینی سود رابطه مثبت دارد. به بیان دیگر می توان گفت وجود اعضای با تخصص مالی در کمیته حسابرسی کیفیت گزار شگری مالی را افزایش می دهد و اطلاعات قابل اتکاتری در اختیار مدیریت قرار می گیرد و پیش بینی سود با دقت بیشتری برآورد می شود. همچنین نتایج نشان داد که تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی با پراکندگی پیش بینی‌های سود ارتباطی منفی دارد.

علوی و همکاران (۱۳۹۶) به بررسی تأثیر فعالیت‌های کمیته‌های حسابرسی بر گزار شگری مالی پرداختند. آن‌ها از امتیازهای افشای اطلاعات شرکت‌ها و معیار تعدیلات سنواتی برای گزار شگری مالی استفاده کردند و با بکارگیری پیش آزمون و پس آزمون برای دو گروه آزمایش و کنترل و با استفاده از گروه‌های نابرابر و استفاده از اطلاعات شرکت‌ها طی دوره ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۴ نشان دادند بین میزان اختلاف امتیاز افشا و نسبت تعدیلات سنواتی بین دو گروه آزمایش و کنترل تفاوت معنی داری وجود ندارد. به عبارت دیگر تشکیل کمیته‌های حسابرسی در طی دوره دوران گذار اثربخشی معنی داری نداشته است.

نصیرزاده و همکاران (۱۳۹۶) نیز به بررسی تأثیر ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر محافظه کاری شرطی پرداختند. به اعتقاد آن‌ها شرایط پیچیده در حسابداری شرکت‌ها و تقاضای روزافزون برای پاسخگویی و اهمیت یافتن کنترل‌های داخلی سبب پررنگ شدن نقش کمیته حسابرسی شده است. یکی از وظایف کمیته حسابرسی که همواره مدنظر محققان و قانونگذاران بوده، نقش نظارتی کمیته حسابرسی بر کیفیت سودهای گزارش شده است. آن‌ها از اطلاعات ۱۳۷ شرکت پس از الزامی شدن منشور کمیته حسابرسی در بازه زمانی سال‌های ۱۳۹۱ الی ۱۳۹۳ استفاده کردند. یافته‌های آن‌ها در مدل بال و شیواکومار حاکی از وجود ارتباط معنی دار میان هر چهار ویژگی کمیته حسابرسی و محافظه کاری است، اما در مدل باسو

این ارتباط معنی‌دار تنها بین اندازه کمیته حسابرسی و محافظه‌کاری مشاهده شد و رابطه معنی‌داری بین دیگر ویژگی‌های کمیته حسابرسی و محافظه‌کاری یافت. سوال‌هایی که این تحقیق به دنبال آن است عبارت است از:

۱. آیا بین اندازه کمیته‌های حسابرسی و هزینه سرمایه سهام عادی رابطه منفی وجود دارد؟
۲. آیا بین میزان تخصص مالی اعضای کمیته‌های حسابرسی و هزینه سرمایه سهام عادی رابطه منفی وجود دارد؟

فرضیه

در پاسخ به سوال پژوهش و با توجه به آنچه ذکر شد، فرضیه‌های زیر را می‌توان تدوین کرد:

فرضیه اول: بین اندازه کمیته‌های حسابرسی و هزینه سرمایه سهام عادی رابطه منفی وجود دارد.

فرضیه دوم: بین میزان تخصص مالی اعضای کمیته‌های حسابرسی و هزینه سرمایه سهام عادی رابطه منفی وجود دارد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های کاربردی از نوع مطالعات همبستگی می‌باشد. استفاده از یافته‌های آن کاربردی بودن آن را نشان می‌دهد و به دلیل استفاده از رگرسیون از نوع مطالعات همبستگی است.

جامعه و نمونه تحقیق

هر پژوهشی بر روی یک جامعه آماری صورت می‌گیرد. این موضوع تحقیق جامعه آماری شامل تمام شرکت‌های سهامی عام پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس ایران است. نمونه آماری این موضوع آن دسته از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار است که دارای شرایط زیر باشند:

- ۱- تا پایان اسفند ۱۳۹۰ در بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس ایران پذیرفته شده باشند.

۲- داده‌های مورد نیاز آن‌ها در دسترس باشد.

۳- تحقیق برای شرکت‌های غیر مالی انجام می‌شود، لذا بانک‌ها و کلیه شرکت‌های سرمایه‌گذاری، لیزینگ‌ها و موسسات مالی از نمونه حذف شدند.

۴- آخرین شرط اعمال شده برای تعیین نمونه مورد بررسی، انتخاب شرکت‌هایی است که دارای سال مالی یکسان باشند (منتهی به ۱۲/۲۹).

با توجه به موارد ذکر شده تعداد نمونه‌های تحقیق ۹۷ شرکت می‌باشد.

قلمرو زمانی این تحقیق نیز از ابتدای سال ۱۳۹۱ تا پایان سال ۱۳۹۶، به مدت ۶ سال است، چرا که تشکیل گسترده کمیته‌های حسابرسی و ابلاغ منشور آن در سال ۱۳۹۱ صورت گرفته است.

مدل آزمون فرضیه تحقیق

به منظور آزمون فرضیه اول تحقیق از مدل رگرسیون (۱) استفاده می‌شود.

$$ECC_{i,t} = \alpha_0 + \beta_1 ACS_{i,t} + \beta_2 Size_{i,t} + \beta_3 Lev_{i,t} + \beta_4 Div_{i,t} + \beta_5 M/B_{i,t} + \beta_6 Roa_{i,t} + \beta_7 OCF + \varepsilon_{i,t}$$

مدل (۱)

به منظور آزمون فرضیه دوم نیز از مدل (۲) استفاده خواهد شد

$$ECC_{i,t} = \alpha_0 + \beta_2 ACE_{i,t} + \beta_2 Size_{i,t} + \beta_3 Lev_{i,t} + \beta_4 Div_{i,t} + \beta_5 M/B_{i,t} + \beta_6 Roa_{i,t} + \beta_7 OCF + \varepsilon_{i,t}$$

مدل (۲)

متغیرهای تحقیق

متغیر وابسته

هزینه سرمایه سهام عادی. برای محاسبه هزینه سرمایه سهام عادی به تبعیت از دا و همکاران

(۲۰۱۲) از مدل قیمت‌گذاری دارایی‌های سرمایه‌ای به شرح زیر استفاده می‌شود:

$$ECC = r_f + \beta(r_m - r_f)$$

ECC: هزینه سرمایه سهام عادی.

r_m : نرخ بازده بازار، برای محاسبه بازده بازار از بازده شاخص بازده نقدی و قیمت بورس اوراق بهادار تهران (TEDPIX) استفاده شده است که به شرح رابطه زیر است.

$$R_m = \frac{TEDPIX_t - TEDPIX_{t-1}}{TEDPIX_{t-1}}$$

r_f : نرخ بازده بدون ریسک که برابر است با

نرخ اوراق مشارکت دولتی

β : ریسک سیستماتیک بازار که به شرح زیر محاسبه می‌شود:

$$\beta = \frac{cov(r_i, r_m)}{var(r_m)}$$

متغیر مستقل

$ACSize_{i,t}$: اندازه کمیته حسابرسی شرکت i در زمان t که برابر است با لگاریتم طبیعی تعداد اعضای کمیته حسابرسی.

$ACExpert_{i,t}$: تخصص مالی کمیته حسابرسی شرکت i در زمان t که برابر است با نسبت اعضای دارای تخصص مالی به جمع تعداد اعضای کمیته.

متغیر کنترلی

$Size_{i,t}$: لگاریتم جمع دارایی‌های شرکت i در زمان t که نشان دهنده اندازه شرکت است.

$Lev_{i,t}$: نسبت جمع بدهی به جمع دارایی‌های شرکت i در زمان t که نشان دهنده نسبت اهرمی است.

$Div_{i,t}$: نسبت سود تقسیمی به سود هر سهم شرکت i در زمان t .

$M/B_{i,t}$: نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری سهام شرکت i در زمان t .

$Roa_{i,t}$: نسبت سود خالص به جمع دارایی‌های شرکت i در زمان t .

$OCF_{i,t}$: نسبت جریان نقد عملیاتی به جمع دارایی‌های شرکت i در زمان t .

به منظور جمع‌آوری اطلاعات از نرم‌افزار ره‌آورد نوین و سامانه جامع اطلاع‌رسانی ناشران یعنی سامانه کدال استفاده شده است. در این تحقیق برای مرتب کردن داده‌ها از نرم‌افزار اکسل استفاده شده است. همچنین با توجه به توابع موجود در این نرم‌افزار برخی از متغیرها با استفاده از این توابع به دست آمده است. علاوه بر این از نرم‌افزارهای آماری Eviews و Spss برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و تخمین بتاها استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

نگاره (۱) نشان دهنده آمار توصیفی مربوط به متغیرهاست. آمار توصیفی ارائه شده بیانگر اطلاعاتی در مورد پارامتر مرکزی و پارامترهای پراکندگی (انحراف معیار، ماکزیمم و مینیمم) متغیرهای تحقیق است.

نگاره (۱): آمار توصیفی

متغیر	تعداد	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار
$ECC_{i,t}$	۵۸۲	۰/۰۱	۰/۹۹	۰/۲۸	۰/۲۱۵
$ACExpert_{i,t}$	۵۸۲	۰/۳۳	۱	۰/۸۴	۰/۲۳۶
$ACSize_{i,t}$	۵۸۲	۱/۱	۱/۶۱	۱/۱۲	۰/۱۱
$Size_{i,t}$	۵۸۲	۱۱/۵	۱۹/۳۷	۱۴/۷۱	۱/۵۷
$Lev_{i,t}$	۵۸۲	۰/۰۷	۰/۹۶	۰/۵۷	۰/۱۸
$Div_{i,t}$	۵۸۲	۰	۰/۹۶	۰/۴۸	۰/۳۱
$MB_{i,t}$	۵۸۲	-۲/۱۷	۳/۹۸	۲/۵۳	۰/۶۳
$Roa_{i,t}$	۵۸۲	-۰/۰۴	۰/۴۲	۰/۱۴	۰/۱۰۴
$OCF_{i,t}$	۵۸۲	-۰/۰۳	۰/۱۹	۰/۱۰۲	۰/۰۶۲

همانطور که نگاره (۱) نشان می‌دهد متوسط بازده مورد انتظار سهامداران عادی ۲۸ درصد است. این میزان با توجه به اینکه نرخ سود بدون ریسک (اوراق مشارکت دولتی) در حدود ۲۰ درصد بوده است از مقدار قابل قبولی برخوردار است.

متوسط اهرم مالی شرکت‌ها نیز ۵۷ درصد می‌باشد. به عبارت دیگر ۵۷ درصد ساختار سرمایه شرکت‌ها را بدهی تشکیل می‌دهد و الباقی آن را حقوق صاحبان سرمایه در بر می‌گیرد.

در رابطه با فرصت رشد نیز نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری سهام نشان می‌دهد ارزش‌های بازار ۲/۵۳ نسبت به ارزش‌های دفتری بیشتر است و این شرکت‌ها دارای فرصت رشد قابل توجهی هستند. همچنین با نگاهی به تقسیم سود شرکت‌ها می‌توان دریافت نسبت سود تقسیمی در حدود ۵۰ درصد بوده و شرکت‌ها به طور متوسط اقدام به تقسیم سود می‌کنند. در نهایت نیز سودآوری شرکت‌ها با در نظر گرفتن نسبت سود به دارایی‌ها که به میزان ۱۴ درصد است بیانگر سودآوری پایین شرکت‌های نمونه طی دوره تحقیق می‌باشد. در رابطه با نرمال بودن داده‌ها نیز با توجه به اینکه تعداد داده‌ها بیشتر از ۳۰ مشاهده می‌باشد (۵۸۲) بنا بر قضیه حد مرکزی می‌توان توزیع آن‌ها را نرمال دانست.

آزمون همبستگی

نگاره (۲) نشان دهنده نتایج آزمون همبستگی است.

نگاره (۲): نتایج آزمون همبستگی

		ECC	ACExpert	ACSize	Size	Lev	Div	MB	Roa	OCF
ECC	ضریب همبستگی	۱								
	سطح معنی داری									
ACExpert	ضریب همبستگی	-۰/۰۳۶	۱							
	سطح معنی داری	۰/۳۹۱								
ACSize	ضریب همبستگی	-۰/۱۷**	-۰/۰۶۱	۱						
	سطح معنی داری	۰/۰۰	۰/۱۳۹							
Size	ضریب همبستگی	-۰/۱۳۵**	-۰/۰۵۷	۰/۲۹**	۱					
	سطح معنی داری	۰/۰۰۱	۰/۱۷۳	۰/۰۰۰						
Lev	ضریب همبستگی	۰/۰۳۲	-۰/۰۱۸	-۰/۱۱**	۰/۰۶۱	۱				
	سطح معنی داری	۰/۴۳	۰/۶۷	۰/۰۰۷	۰/۱۳۹					
Div	ضریب همبستگی	-۰/۰۱۶	-۰/۰۰۵	-۰/۰۱۹	۰/۰۰۴	۰/۰۱۴	۱			
	سطح معنی داری	۰/۷۰۶	۰/۲۲۵	۰/۶۴	۰/۳۱	۰/۷۳				
MB	ضریب همبستگی	-۰/۰۰۸	۰/۰۰۷	۰/۰	۰/۰۰۶	۰/۰۰۹*	۰/۰۰۳	۱		
	سطح معنی داری	۰/۸۵	۰/۸۶	۰/۹۹	۰/۱۴	۰/۰۰۳	۰/۴۷			
Roa	ضریب همبستگی	۰/۰۰۳	-۰/۰۰۱	۰/۰۰۹	۰/۰۰۹	۰/۳۷**	-۰/۰۰۶	۰/۰۰۱*	۱	
	سطح معنی داری	۰/۴۷	۰/۹۸	۰/۸۲	۰/۸۳	۰/۰۰	۰/۸۸	۰/۰۱۶		
OCF	ضریب همبستگی	۰/۰۲۷	۰/۰۰۳	-۰/۱۱۵**	۰/۰	۰/۸۱**	۰/۰۰۵	۰/۰۰۹*	۰/۳۲**	۱
	سطح معنی داری	۰/۵۱	۰/۴۲	۰/۰۰۶	۰/۹۹	۰/۰	۰/۲۲۸	۰/۰۰۲	۰/۰	
** معنی داری در سطح ۱٪										
* معنی داری در سطح ۵٪										

همان طور که نگاره (۲) نشان می‌دهد بین اندازه کمیته حسابرسی و اندازه شرکت همبستگی منفی و معنی‌داری با هزینه سرمایه سهام عادی وجود دارد و سایر متغیرها با هزینه سرمایه سهام عادی همبستگی معنی‌داری ندارند. اگرچه بین سایر متغیرها با یکدیگر همبستگی وجود دارد به عنوان مثال اهرم و یا جریان نقد عملیاتی با اندازه کمیته حسابرسی همبستگی منفی و معنی‌دارند.

یافته‌های آزمون فرضیه اول

نتایج آزمون مفروضات کلاسیک رگرسیون مدل (۱) و (۲) نشان‌دهنده برقرار بودن این فرض است. با توجه به ساختار داده‌ها نیز برای انتخاب بین روش پانل و پولینگ از آزمون چاو و آماره F استفاده می‌شود. در صورت انتخاب روش پانل، آزمون هاسمن برای انتخاب از بین روش‌های تأثیرات ثابت و تأثیرات تصادفی انجام می‌شود. نگاره (۳) نشان‌دهنده نتایج آزمون چاو است.

نگاره (۳): نتایج آزمون چاو

سطح معنی‌داری	آماره F
۰/۰۰۰۲	۱/۶۹

همان طور که نگاره (۳) نشان می‌دهد، سطح معنی‌داری آماره F لیمر کمتر از ۵٪ بوده و بنابراین باید تأثیرات تصادفی نیز بررسی و آزمون هاسمن صورت بگیرد.

نگاره (۴): نتایج آزمون هاسمن

سطح معنی‌داری	آماره خی اسکوئر
۰/۰۰۰	۴۱/۶۸

همانطور که نگاره (۴) نشان می‌دهد سطح معنی‌داری آماره خی اسکوئر کمتر از ۵٪ در صد بوده و بنابراین باید از روش اثرات ثابت استفاده کرد. نگاره (۵) نشان‌دهنده نتایج آزمون فرضیه اول با استفاده از داده‌های روش اثرات ثابت است.

نگاره (۵): نتایج آزمون فرضیه اول

نتایج آزمون			متغیر توضیحی
سطح معنی داری	آماره t	ضریب	
۰/۰۰۰	۶/۷	۰/۰۱	مقدار ثابت
۰/۰۰۰۶	-۳/۴۳	-۰/۲۸	اندازه کمیته حسابرسی
۰/۰۳	-۲/۱۵	-۰/۰۱۲	اندازه شرکت
۰/۶۸	۰/۰۴	۰/۰۳۵	نسبت جمع بدهی به جمع دارایی‌ها
۰/۷۴	-۰/۳۳	-۰/۰۰۹	نسبت سود تقسیمی
۰/۹	-۰/۱۲	-۰/۰۰۱	نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری سهم
۰/۵۱	۰/۶۴	۰/۰۵۸	بازده دارایی
۰/۷۵	-۰/۳۱	-۰/۰۷۶	نسبت جریان نقد عملیاتی
۳/۴۳			آماره F
۰/۰۰۱			سطح معنی داری
۰/۰۴			ضریب تعیین
۰/۰۲۸			ضریب تعیین تعدیل شده
۱/۸			آماره D-W

مطابق نگاره (۵)، آماره F و سطح معنی داری آن بیانگر معنی داری کل مدل (۱) است. مقدار آماره دوربین-واتسون (۱/۸) نیز بر عدم وجود خود همبستگی خطاها دلالت دارد، سطح معنی داری اندازه کمیته حسابرسی کمتر از ۰/۵ بوده و رابطه آن منفی است. به عبارت دیگر بین اندازه کمیته حسابرسی و هزینه سرمایه سهام عادی رابطه منفی و معنی داری وجود دارد. این یافته فرضیه اول را تایید کرده و نشان می‌دهد شرکت‌هایی که اندازه کمیته حسابرسی بزرگتری دارند، هزینه سرمایه آن‌ها کمتر است. علاوه بر اندازه کمیته حسابرسی، اندازه شرکت نیز رابطه منفی و معنی داری با هزینه سرمایه دارد. به عبارت دیگر شرکت‌های بزرگ هزینه سرمایه سهام عادی آن‌ها کمتر است. ضریب تعیین و ضریب تعیین تعدیل شده نیز به ترتیب ۰/۰۴ و ۰/۰۲۸ بوده و نشان می‌دهد قدرت تبیین مدل به این مقدار بوده است.

یافته‌های آزمون فرضیه دوم

نگاره (۶) نشان دهنده نتایج آزمون چاو برای مدل (۲) می‌باشد.

نگاره (۶): نتایج آزمون جاو

سطح معنی داری	آماره F
۰/۰۰۰	۹۶/۳۶

همان طور که نگاره (۶) نشان می‌دهد، سطح معنی داری آماره F لیمر کمتر از ۵٪ بوده و بنابراین باید تأثیرات تصادفی نیز بررسی و آزمون هاسمن صورت بگیرد.

نگاره (۷): نتایج آزمون هاسمن

سطح معنی داری	آماره خی اسکوئر
۰/۰۰۰	۴۱/۲۴

مطابق نگاره (۷) سطح معنی داری آماره خی اسکوئر کمتر از ۵ درصد بوده و بنابراین باید از روش اثرات ثابت استفاده کرد. نگاره (۸) نشان دهنده نتایج آزمون فرضیه دوم با استفاده از داده‌های روش اثرات ثابت است.

نگاره (۸): نتایج آزمون فرضیه دوم

نتایج آزمون			متغیر توضیحی
سطح معنی داری	آماره F	ضریب	
۰/۰۰	۵/۷۴	۰/۵۷	مقدار ثابت
۰/۳۱	-۱/۰۰۹	-۰/۰۳	تخصیص مالی کمیته حسابرسی
۰/۰۰۰۸	-۳/۳۶	-۰/۰۲	اندازه شرکت
۰/۵۵	۰/۵۹	۰/۰۵	نسبت جمع بدهی به جمع دارایی‌ها
۰/۸۵	-۰/۱۷	-۰/۰۰۵	نسبت سود تقسیمی
۰/۹۳	-۰/۰۸	-۰/۰۰۱	نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری سهم
۰/۶۶	۰/۴۲	۰/۰۳۹	بازده دارایی
۰/۸۵	-۰/۱۷	-۰/۰۴۴	نسبت جریان نقد عملیاتی
۱/۸			آماره F
۰/۰۷			سطح معنی داری
۰/۰۲			ضریب تعیین
۰/۰۱			ضریب تعیین تعدیل شده
۱/۷۷			آماره D-W

با توجه به نگاره (۸)، آماره F و سطح معنی‌داری آن بیانگر عدم معنی‌داری کل مدل (۲) است و فرضیه دوم تایید نمی‌شود. با این وجود مقدار آماره دورین-واتسون (۱/۷۷) بر عدم وجود خود همبستگی خطاها دلالت دارد. سطح معنی‌داری تخصص مالی کمیته حسابرسی نیز بیشتر از ۵٪ بوده و رابطه آن منفی است. ضریب تعیین و ضریب تعدیل شده نیز به ترتیب ۰/۰۲ و ۰/۰۱ بوده و نشان می‌دهد قدرت تبیین مدل ضعیف بوده است.

نتیجه‌گیری

یکی از عواملی که بر هزینه سرمایه تأثیرگذار است، کیفیت اطلاعات و گزارشگری مالی است که می‌تواند بر ریسک اطلاعات و در نهایت هزینه سرمایه سهام عادی تأثیر گذارد. کمیته حسابرسی با نظارت به موقع و دقیق بر کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها می‌تواند کاهش هزینه سرمایه را به دنبال داشته باشد. از اینرو این پژوهش به بررسی رابطه بین ویژگی‌های کمیته‌های حسابرسی و هزینه سرمایه سهام عادی را در بورس اوراق بهادار تهران را مورد بررسی قرار داده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد بین اندازه کمیته حسابرسی و هزینه سرمایه سهام عادی رابطه منفی و معنی‌داری وجود دارد. به عبارت دیگر شرکت‌هایی که کمیته حسابرسی بزرگتری دارند، هزینه سرمایه سهام عادی کمتری خواهند داشت. یافته‌های این تحقیق مانند پژوهش خمناخم (۲۰۱۵) می‌باشد و بین اندازه کمیته حسابرسی و هزینه سرمایه سهام عادی رابطه معنی‌دار وجود دارد ولی تخصص مالی اعضای کمیته تأثیر معنی‌داری بر هزینه سرمایه سهام عادی ندارد. علاوه بر این موارد زیر می‌تواند موضوعی برای پژوهش‌های آتی باشد.

۱. بررسی رابطه بین اندازه کمیته حسابرسی با شفافیت.
۲. بررسی رابطه بین سایر ویژگی‌های کمیته حسابرسی مانند تعداد جلسه‌های کمیته که نشان دهنده میزان فعالیت آن می‌باشد و هزینه سرمایه بررسی شود.

منابع

- جامعی، رضا و رستمیان، آزاده. (۱۳۹۵). تاثیر تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی بر ویژگی‌های سود پیش بینی شده، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی: ۸ (۲۹)، ۱-۱۷.
- سلیمانی امیری، غلامرضا و فصیحی، صغری. (۱۳۹۴). بررسی رابطه ویژگی‌های کمیته حسابرسی با مدیریت سود تعهدی و واقعی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، بررسی‌های حسابداری: ۳ (۸)، ۱۵-۳۴.
- علوی، سید مصطفی، قائمی، محمدحسین، رضازاده، جواد. (۱۳۹۶). بررسی تأثیر فعالیت‌های کمیته‌های حسابرسی بر گزارشگری مالی، مجله پژوهش‌های کاربردی در گزارشگری مالی، ۶ (۱۰)، ۳۵-۶۶.
- فخاری و همکاران. (۱۳۹۳). بررسی اثر ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر مدیریت سود از طریق اقلام واقعی، پژوهش‌های تجربی حسابداری: ۱۲ (۴۶)، ۱۳۰-۱۵۴.
- کامیابی و احسانی. (۱۳۹۵). ویژگی‌های کمیته حسابرسی، کیفیت افشا و نسبت غیر موظف اعضای هیات مدیره، پژوهش‌های تجربی حسابداری: ۶ (۲)، ۱۹۱-۲۱۸.
- نصیرزاده، فرزانه؛ اورادی، جواد؛ رجبعلی زاده، جواد. (۱۳۹۶). تأثیر ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر محافظه کاری شرطی، مجله دانش حسابرسی: ۱۷ (۶۸)، ۸۳-۱۰۵.
- Abbott, L., Parker, S., & Peters, G. (2004). Audit Committee Characteristics and Restatements, *Auditing: A Journal of Practice & Theory*: 23 (1), 69-87.
- Alavi, S., Ghaemi, M., rezazadeh, J. (2017). Investigating the Effect of Audit Committee's Activities on Financial Reporting, *Applied research in financial reporting*: 6) 1 (, 35-66. (In Persian)
- Al-Shaer. , H aly. , S. and Steven, T. (2017). Audit committees and financial reporting quality: evidence from UK environmental accounting disclosures, *Journal of Applied Accounting Research*, 18, 2-21. Beasley, M. S.
- Crisan, A and Fulop, M. (2014). The role of the audit committee in corporate governance case study for a sample of companies listed on BSE and the London Stock Exchange FTSE 100, *Procedia Economics and Finance*, 15, 1033 –1041.
- Davidson, R. Goodwin-Stewart, J. & Kent, P. (2005). Internal governance structures and earnings management, *Accounting and Finance*: 45 (2) , 241-267
- Dhaliwal, D. , Naiker, V. & Navissi, F (2010). The association between accruals quality and the characteristics of accounting experts and mix of expertise on audit committees, *Contemporary Accounting Research*, 27 (3). 787-827.

- Fakhari, H. Mohammadi, J. Hasannataj Kordi, M. (2015). An Investigation of the Audit Committee Characteristics Effects on Real Earnings Management, *Empirical Studies in Financial Accounting*, 12, (46). 130-154.. (In Persian)
- Farber, D. , (2005). Restoring Trust after Fraud: Does Corporate Governance Matter?, *The Accounting Review*: 80 (2). 539 -561.
- Guptaa, K, Krishnamurtia, C, Tourani, A (2018). Financial development, corporate governance and cost of equity capital, *Journal of Contemporary Accounting & Economics*: 14 (1) , 65–82.
- Hail, L. Leuz, C (2006). International differences in the cost of equity capital, *Journal of Acc. Res.* 44 (3) , 485–531.
- Jamee, R. , Rostamian, A. (2016). Auditing committee and accuracy of forecasted earning. In other words the presence of financial experts in auditing committee, *Financial accounting and auditing research*: 8 (29) , 1-17. (In Persian)
- Kamyabi, Y. , Boozhmehrani, E. (2017). Audit Committee Characteristics, Quality of Disclosure and Proportion of Non-Executive Directors, *Journal of Empirical Researches in Accounting*: 6 (4). 191-218. (In Persian)
- Mansour, Alaa. , Zalataa, b, Venancio, T. (2018). Audit committee financial expertise, gender, and earnings management: Does gender of the financial expert matter?, *International Review of Financial Analysis*: 55, 170–183.
- Nasirzade, F. , Oradi, J. , Rajabalizade, J. (2017). Effect of Audit Committee's characteristics on conditional conservatism, *Journal of audit science*, 17 (68) . 83-105. (In Persian)
- Poretia, C. , Schatt, A, and Bruynseels, A. (2018). Audit committees' independence and the information content of earnings announcements in Western Europe, *Journal of Accounting Literature*: 40 , 29–53.
- Setiany, E. , Suhardjanto, D, Lukviarman, N. , Hartoko, S. (2017). Board Independence, Voluntary Disclosure, and the Cost of Equity Capital, *Review of Integrative Business and Economics Research*: 6, 389-399.
- Soleimany Amiri, G. , Fasihi, S. (2015). The Relationship between Audit Committee Characteristics and the Real and Accrual Earnings Management of Listed Companies in Tehran Stock Exchange, *Journal of Iranian Accounting Review*: 2 (8) , 15-34. (In Persian)
- Song, B. , Chen, S. , Komal, B. (2018). Audit committee financial expertise and earnings quality: A meta-analysis, *Journal of Business Research*: 84 (c) , 253-270.
- Wallace, N. Davidson. , Xie, Biao. , (2004) , Market Reaction to Voluntary Announcements of Financial Expertise, *Journal of Accounting and public policy*: 42 (1) , 220-294.

- Yang and Krishnan (2005). Audit committees and quarterly earnings management, *International Journal of Auditing*: 9 (3). 201- 219.
- Zalata, A. , Tauringanaa, V and Tingbanic, I (2018). Audit committee financial expertise, gender, and earnings management: Does gender of the financial expert matter?, *International Review of Financial Analysis*: 55,170-183.



Audit Committee Characteristics and Cost of Equity Capital

Roshanak Saadatmand¹, Seyed Mostafa Alavi²

Received : 2018/08/27

Approved: 2018/12/24

Abstract

Financing and determining the proper structure of capital is one of the most important duties of firms in order to maximize the firm value by minimizing the cost of capital. Several factors, including corporate governance, affect a firm's risk which in turn affects the cost of capital. The audit committee, as one of the most important elements of corporate governance, has a significant role in improving financial reporting and risk management. This study is aimed to investigate the relation between some characteristics of the audit committees and the cost of equity capital in 97 firms listed in Tehran Stock Exchange and OTC of Iran during the period from 2012 to 2017. Results of the research hypotheses test show that there is a significant negative relation between the audit committee size and the cost of equity capital. In other words, firms with more committee members have less cost of equity capital. Findings also show that there is no significant relation between the financial expertise of the audit committee members and the cost of equity capital. In addition, there is a significant negative relation between the firm size and the cost of capital. In other words, top large firms have less cost of equity capital.

Keywords: Audit Committee, Cost of Equity Capital, Corporate Governance.

Jel clacification: M42, G14

DOI: 10.22051/jera.2018.21796.2158

¹ M. Student of Accounting, Islamic Azad University, Damavand Branch, Damavand, Iran, (rosaadat55@gmail.com)

² Assistant Professor of Accounting, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran, Corresponding Author, (Smalavi@soc.ikiu.ac.ir)